

پژوهشنامه ثقلین، دوره ۲، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴
صفحات ۳۹۷-۴۳۰

معجم الأحادیث المعتبرة

اثر جدیدی در حوزه نگارش های حدیثی

مجید معارف^۱، مهدیه دهقانی قناتستانی^{۲*}

۱. استاد دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۴/۳/۲؛ تاریخ پذیرش: ۹۴/۸/۱۲)

چکیده

محمد آصف محسنی از مراجع تقلید شیعه و از فعالان سیاسی افغانستان، به تازگی چاپ دوم کتاب معجم الأحادیث المعتبرة اثر خویش را در هشت جلد منتشر کرده است. ترتیب چینش کتاب های فقهی و غیرفقهی در این کتاب، جدید و نشانگر نگاه مؤلف به جایگاه عقل و علم و موقعیت علم اصول، رجال و مهم تر از آن باورهای سیاسی مؤلف در باب تشکیل حکومت اسلامی است. کتاب در مجموع شامل بیش از ۱۱ هزار روایت دارای سند معتبر (صحیح، حسن و موثق) است. این روایات معتبر از ۲۶ کتاب متقدم حدیثی شیعه (که نسخه معتبر آنها به دست علامه مجلسی رسیده است) گزینش شده اند. بررسی روایات کتاب الاعتکاف به عنوان نمونه، نشان می دهد که مؤلف به واقع صحیح ترین روایات را در کتاب خود نقل کرده است. مؤلف علاوه بر گردآوری روایات معتبر، برای شمار شایان توجهی از روایات، توضیحات رجالی و فقه الحدیثی ارائه کرده است.

واژگان کلیدی

جوامع حدیث شیعه، روایت معتبر، محمد آصف محسنی، معجم الأحادیث المعتبرة.

مقدمه

حاصل تلاش محدثین در طول سده‌های مختلف، نگاشته شدن هزاران کتاب حدیثی در شکل‌ها و قالب‌های مختلف است. در این میان برخی از قالب‌های نگارش، بیشتر مورد توجه بوده‌اند و برخی کمتر. برای مثال مسندنگاری یکی از قالب‌های پرنگارش حدیثی محسوب می‌شود؛ به گونه‌ای که در یک سده، بیش از صد محدث، اثر حدیثی خویش را در قالب مسند عرضه کرده‌اند. در این زمینه باید صحیح‌نگاری را جریان مهم و حساسی دانست که با وجود توجه و اهتمام بسیاری از محدثین به صحیح بودن تألیفات حدیثی خویش، تعداد کتاب‌هایی که در عنوان آنها واژه «صحیح» و واژگان مشابه آمده است، از شمار انگشتان یک دست تجاوز نمی‌کند.

در شیعه پس از نگارش کتاب‌های مهم حدیثی، دگرگونی مهمی در اندیشه محدثین درباره راه تشخیص حدیث صحیح پدیدار شد، یعنی ملاک تشخیص تغییر کرد و به دلایلی از جست‌وجوی قراین بر صدور حدیث، به بررسی سند محدود شد و صحیح‌قدمایی با صحیح متأخران تفاوت پیدا کرد. برخی این تعریف جدید را پذیرفتند، ولی برخی از محدثان بر کفایت ملاک‌های پیشین پافشردند و زیر بار ارزیابی احادیث بر اساس معیار جدید نرفتند.

اثر این تغییر رویه در تشخیص روایت صحیح (که در سده هفتم توسط ابن طاووس حلی یا علامه حلی پایه‌گذاری شد) در لزوم بازنگری در داوری درباره احادیث کتب اربعه، امری طبیعی و پیش‌بینی‌شدنی بود و نخستین اثر آن دو سده بعد پدیدار شد. شهید ثانی با توجه به معیار جدید کتاب کافی را ارزیابی و تعداد احادیث صحیح، حسن، موثق و ضعیف آن را به تفکیک اعلام کرد (بهبودی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۱). پس از او پسرش منق‌الجمان را در گزینش احادیث صحیح و حسن کتب اربعه آغاز کرد، اما موفق به اتمام آن نشد. پس از آن در سده دوازدهم، علامه مجلسی در هنگامه

شرح کتاب کافی در *مرآة العقول* به تعیین نوع روایت بر اساس ملاک‌های متأخران پرداخت.

در سده اخیر پژوهشگر معاصر محمد باقر بهبودی در قالب کتاب‌های *صحیح الکافی*، *صحیح الفقیه* و *صحیح التهذیب* به جداسازی احادیث صحیح از مجموعه احادیث کتب اربعه پرداخت. داوری درباره اسناد کتب اربعه و کتاب *وسائل الشیعه* در نرم‌افزار *درايه‌النور* و عرضه نرم‌افزار اسناد صدوق، گام دیگری در عرضه گسترده داوری بر پایه روایان اسناد احادیث بود و پس از آن داوری درباره سند احادیث کتاب «*من لا یحضره الفقیه*» در پانویشت این کتاب در چاپ مرکز پژوهشی دارالحدیث، به همراهی بیش از پیش «داوری سندی» و «نقل حدیث» کمک کرد.

دو کتاب «*مشرعه بحارالانوار*» و «*الأحادیث المعتبرة فی جامع أحادیث الشیعه*»^۱ هر دو اثر محمد آصف محسنی که وضعیت اسناد روایات کتاب *بحارالانوار* و *جامع أحادیث الشیعه* را به لحاظ صحیح، حسن، موثق و ضعیف بودن مشخص می‌کنند نیز در این گروه از کتاب‌ها قرار می‌گیرند.

پژوهش ناگفته دیگر، کتاب «*معجم الأحادیث المعتبرة*» نوشته محمد آصف محسنی مؤلف «*مشرعه بحارالانوار*» است. در مقاله حاضر برآنیم که این اثر نونگاشته را به پژوهشگران معرفی کنیم.

گفتار نخست) آشنایی با مؤلف «معجم الأحادیث المعتبرة»

آیت‌الله محمد آصف محسنی که به شیخ آصف محسنی نیز شهرت دارد، در سال ۱۳۱۴ شمسی در خانواده‌ای شیعی در قندهار افغانستان زاده شد و در سیزده سالگی همراه با پدر

۱. این اثر برای نخستین بار به وسیله انتشارات صبح صادق در قم به تاریخ ۱۳۸۴-۱۳۸۵ ش چاپ شده است.

به پاکستان رفت. در ۱۸ سالگی برای آموختن علوم دینی به نجف اشرف سفر کرد و در طول ۲/۵ سال دروس سطوح را به پایان رساند. سپس به درس خارج فقه، رجال و حدیث و اصول پرداخت و نزد آیت‌الله سید محسن حکیم و سید ابوالقاسم خویی و حسین حلی و سید عبدالاعلی سبزواری به شاگردی پرداخت.

پس از آن او با علاقه و صف‌ناپذیری به تحصیل در رشته‌های مختلف علوم دینی ادامه داد و در کنار آن از فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی نیز غفلت نرزد.

از جمله فعالیت‌های سیاسی او می‌توان به بنیان‌گذاری و رهبری «حزب حرکت اسلامی افغانستان» در سال ۱۳۵۸ اشاره کرد. تأسیس و مدیریت مؤسسه فرهنگی و حوزه علمیة خاتم‌النبیین و تأسیس و مدیریت شبکه تلویزیونی «تمدن» که در بین حدود ۳۰ شبکه تلویزیونی افغانستان، دومین شبکه از نظر تعداد بیننده محسوب می‌شود، از جمله فعالیت‌های علمی و فرهنگی اوست.

آصف محسنی به زبان‌های فارسی، عربی، اردو و پشتو مسلط است و بیش از ۶۰ کتاب در موضوع‌های مختلف مذهبی، سیاسی و فقهی به زبان‌های عربی و فارسی نگاشته است که از میان آنها می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد:

در رجال و حدیث: بحوث فی علم الرجال، فوائد رجالية، عدالة الصحابة، مشرعة بحار الأنوار، نظرة عابره، معجم الأحادیث المعتمدة.

در کلام و عقاید: صراط الحق، خداشناسی منهای دین، عقاید برای همه، فواید دین در زندگی.

در فقه: حدود الشریعة فی محرّماتها و واجباتها، الفقه و مسائل طبیة، توضیح المسائل جنگی، توضیح المسائل طبی و ...

در تقریب مذاهب: جنگ در تاریکی (شیعه و سنی چه فرقی دارند)، تقریب مذاهب از نظر تا عمل، همبستگی اسلامی، وحدت اسلامی.

در سیاست: حکومت اسلامی، اقتصاد معتدل، جهاد اسلامی.

و در دیگر موضوعات: کتاب قرآن یا سند اسلام، روش جدید اخلاق اسلامی، زن در شریعت اسلامی، روح از نظر دین، عقل و علم روحی جدید (محسنی، ۱۳۸۹ش: ۴۵۳-۴۵۶).

در مجموع برای معرفی شخصیت آصف محسنی باید گفت که در شناخت شخصیت و فعالیت‌های وی دو نکته نقش محوری و اساسی دارد؛ نخست آنکه وی چهره‌ای علمی است و از مراجع تقلید و از عالمان شیعه محسوب می‌شود و دوم آنکه فعالیت‌های سیاسی گسترده‌ای را رهبری می‌کند و از رهبران مذهبی و جهادی افغانستان به‌شمار می‌رود.

گفتار دوم) آشنایی با کتاب «معجم الأحادیث المعتمدة»

۱. نام کتاب

آصف محسنی خود کتاب را «معجم الأحادیث المعتمدة» نام نهاده است. این نام از جمله نام‌های خاص به‌شمار می‌رود و مؤلف با توجه به محتوای کتاب این نام را برگزیده است. در این نام کلمه «المعتمدة» نقش محوری دارد، به این معنا که مؤلف از میان روایات متعدد و متنوع، تنها به دنبال نقل روایات معتبر در این کتاب بوده است. درباره اصطلاح حدیثی «المعتمد» و دلالت آن، در بخش ملاک‌های مؤلف در گزینش احادیث سخن خواهیم گفت.

۲. انگیزه نگارش کتاب

آنچه آصف محسنی را بر آن داشت که کتاب «معجم الأحادیث المعتمدة» را بنگارد، فقدان کتابی بود که همه احادیث دارای سند معتبر را در آن جمع شده باشند و او این کتاب را برای استفاده کسانی که به دنبال فهم روایات هستند و محققان و واعظان، بلکه همه مراجع‌کنندگان عالم می‌نویسد. او خود در بیان انگیزه نگارش این کتاب می‌گوید:

و بعد کان یخطر ببالی أن أجمع الروایات المعتمدة سناً، ممّا وصل إلینا من أئمة أهل البيت (علیهم السلام) فی مجموعة، فإنها تفید المستنبط والمحقق والواعظ بل جمیع المراجعین من أهل العلم ولم أر فی كتب أصحابنا الإمامیة كتاباً یجمع الروایات المعتمدة من

الصّاح و الحسان و الموثقات سوى «منتقى الجمال» للشيخ المحقق حسن بن علي الشهيد الثاني رضوان الله تعالى عليهما، لكنّه يختص أولاً بالروايات الواردة في الفقه من الكتب الأربعة و ثانياً بالصّاح و الحسان دون ذكر الموثقات مع أنّه لم يتجاوز عن كتاب الحج. (محسنی، ۱۳۹۲ش، ج ۱: ۲۱)

«به ذهنم رسید همه روایات رسیده از اهل بیت (علیهم السلام) که به لحاظ سند معتبر هستند را در مجموعه‌ای گرد آورم، تا برای کسی که به دنبال فهم روایات است و محقق و واعظ، بلکه همه مراجع‌کنندگان اهل علم مفید افتد. و من در کتاب‌های عالمان شیعه کتابی نیافتم که روایات معتبر صحیح و حسن و موثق را در خود جمع کرده باشد، مگر «متفی الجمال» شیخ حسن فرزند شهید ثانی (رضوان الله تعالی علیهما) ولی این کتاب از یکسو به روایات فقهی کتب اربعه اختصاص دارد و از سوی دیگر به احادیث صحیح و حسن، بدون نقل روایات موثق محدود می‌شود و با این وجود نیز از کتاب الحج نیز فراتر نرفته است». در ادامه او به این نکته اشاره می‌کند که برای محقق شدن این هدف، خود شخصاً دست به کار شده و از کسی کمک نگرفته است، به جز کمک برخی از اعضای خانواده‌اش در نقل برخی از روایات:

فعمت (بعون الله و فضله) علی جمعها و ضبطها و نقلها غیر مستعین بأحد سوى بعض اهلی (وفقه الله تعالی) فی نقل بعض الروایات (پیشین، ج ۱: ۲۱).

۳. منابع کار مؤلف

مؤلف برای نگارش به دو دسته منبع مراجعه کرده است. دسته اول، منابع متقدم هستند. بنا به گفته مؤلف در مقدمه، منابع متقدم که مستقیم توسط وی استفاده شده، عبارت است از: اصول کافی، روضة کافی و رجال کشی. دسته دوم، منابع متأخر هستند که شامل دو کتاب بحار الأنوار علامه مجلسی و جامع الأحادیث آیت الله بروجردی است. آیت الله آصف محسنی روایات کتاب‌های دیگر را به واسطه این دو منبع متأخر مطالعه، بررسی و روایات معتبر را گزینش کرده است.

مؤلف احادیث کتاب بحار الانوار را تا جلد ۷۳ در کتاب «معجم الأحادیث المعتبرة» نقل کرده و از جلدهای بعد جز اندکی نقل نکرده است. دلیلش این است که جلدهای بعد مشتمل بر روایات فقهی است و او روایات فقهی را از جامع الاصول بروجردی و در برخی موارد از وسائل الشیعه نقل می‌کند (پیشین، ج ۱: ۳۱).

از آنجایی که در پاورقی، آدرس روایات در منابع متقدم آمده، به نظر می‌رسد مؤلف پس از یافتن روایات در این جوامع متأخر، به منابع اصلی مراجعه کرده و روایات را در منبع اصلی یافته و از آنها نقل کرده است. در نتیجه در ارجاعات پاورقی، اغلب آدرس احادیث در کتاب‌های متقدم و دو جامع متأخر دیده می‌شود.

نکته مهم در منابع احادیث نقل شده در کتاب این بوده که آصف محسنی در مجموع، احادیث معتبر ۲۶ کتاب متقدم را در این کتاب گرد آورده است. این کتاب‌ها عبارتند از: ۱ تا ۴. الکافی، الفقیه، تهذیب و الاستبصار؛ ۵. المحاسن برقی؛ ۶. بصائر الدرجات صفار؛ ۷. قرب الإسناد حمیری؛ ۸. تفسیر قمی؛ ۹. الرجال کشی؛ ۱۰. کامل الزیارات ابن قولویه؛ ۱۱. الغیبه نعمانی؛ ۱۲ تا ۱۹. هشت کتاب از شیخ صدوق؛ ۲۰ و ۲۱. الارشاد و الأمالی شیخ مفید؛ ۲۲ و ۲۴. الأمالی، الغیبه و مصباح شیخ طوسی؛ ۲۵. الأمالی پسر شیخ طوسی (ابوعلی حسن بن محمد)؛ ۲۶. قصص الأنبياء راوندی.

مؤلف درباره اعتبار نسخه‌های این کتاب‌ها به تفصیل در خاتمه سخن گفته است. آصف محسنی برای ارجاع به کتاب‌ها به تقریب نام کامل کتاب را می‌آورد، ولی در متن از نام مختصر شده یا رمز اختصاصی کتاب استفاده می‌کند. وی در مقدمه، مراد از رمزهای استفاده شده را بازگو می‌کند (پیشین، ج ۱: ۳۰).

۴. ساختار کتاب

آیت الله آصف محسنی کتاب «معجم الأحادیث المعتبرة» را در قالب یک مقدمه، متن اصلی کتاب و یک خاتمه سامان داده است.

وی در مقدمه پس اشاره به انگیزه، مکان و زمان نگارش کتاب، تحت عنوان «مقدمه العلم» مطالبی را در ارتباط با نگارش کتاب در قالب ۲۸ نکته بیان می‌کند. محورهای اصلی این نکات عبارت است از اشاره به دو مشکلی که احادیث را به شکل گروهی و عمده از دایره احادیث متعبر به لحاظ سند خارج و آنها را به لحاظ سند غیر معتبر می‌کند؛ علت تدوین مجدد کتاب و اقدام به چاپ دوم آن؛ مطالبی درباره تاریخ تدوین حدیث شیعه؛ نگاه او به «ارزش سند» در داوری درباره احادیث و تشخیص روایات معتبر؛ معرفی منابع تألیف کتاب؛ نکاتی درباره فصل‌بندی و ترتیب کتاب‌ها و عنوان‌دهی باب‌ها و شماره‌گذاری احادیث؛ شیوه وی در نقل احادیث مشابه به لحاظ سند یا متن و در نهایت پیشنهادهایی به محققان برای تکمیل کار گردآوری احادیث معتبر (پیشین، ج ۱: ۲۱ - ۴۶)

متن اصلی کتاب شامل ۷۱ «کتاب» است. هر «کتاب» از «ابواب» متعدد تشکیل شده و در ذیل «ابواب» باب‌های متعدد (بدون به کار رفتن کلمه «باب» و تنها با ارائه یک عنوان) با ذکر شماره در آغاز عنوان آنها آمده و در ذیل باب‌ها، احادیث با شماره مسلسل نقل شده است. در توصیف این ساختار اشاره به نکات زیر لازم خواهد بود:

الف) ترتیب کتاب‌ها: ترتیب کتاب‌ها همان‌گونه که مؤلف در مقدمه اشاره می‌کند، ترتیبی ناآشنا و غیررایج است. برای نشان دادن ترتیب این کتاب‌ها عناوین ۳۰ کتاب نخست را گزارش می‌کنیم:

۱	کتاب العقل و العلم	۱۶	کتاب العشرة و الوظائف الاجتماعية
۲	کتاب علم أصول الفقه	۱۷	کتاب الحکومه
۳	کتاب علم الرجال	۱۸	کتاب الحدود
۴	کتاب التوحيد	۱۹	کتاب الجهاد
۵	کتاب المعارف	۲۰	کتاب الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر
۶	کتاب العدل و ما يتعلق به	۲۱	کتاب القضاء
۷	کتاب المعاد	۲۲	کتاب الشهادات
۸	کتاب النبوة و الأنبياء (عليهم السلام)	۲۳	کتاب الديات

۹	کتاب الإمامة و الأئمة (عليهم السلام)	۲۴	کتاب القصاص
۱۰	کتاب القرآن	۲۵	کتاب الرهن
۱۱	کتاب الدعاء	۲۶	کتاب الضمان
۱۲	کتاب الإسلام و الإيمان و المؤمنین	۲۷	کتاب الطهارة
۱۳	کتاب الکفر و الشرك و الذنوب	۲۸	کتاب الصلاة
۱۴	کتاب الطاعة و التقوى و العبادة	۲۹	کتاب الزکاة
۱۵	کتاب الأخلاق	۳۰	کتاب الخمس

به این ترتیب آیت الله آصف محسنی تغییرات زیادی در ترتیب کتب فقهی و غیرفقهی ایجاد کرده است؛ به گونه‌ای که مثلاً کتاب العشرة و الوظائف الاجتماعية، کتاب الحكومة، کتاب الحدود، کتاب الجهاد، کتاب الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر، کتاب القضاء، کتاب الشهادات، کتاب الديات، کتاب القصاص، کتاب الرهن و کتاب الضمان بر کتاب الطهارة و سایر کتاب‌های فقهی مقدم شده است؛ در نتیجه کتاب الطهارة که به طور معمول نخستین کتاب فقهی است، در ترتیب کتاب‌ها در رتبه «بیست و هفتم» دیده می‌شود.

همچنین درباره «کتاب الحكومة» باید بگوییم که عنوان «کتاب الحكومة» در فهرست «کتاب‌های» کتب حدیثی عنوان جدیدی است^۱ و در هیچ‌یک از کتاب‌های حدیثی متقدم و متأخر شیعه و اهل سنت، عنوان «کتاب الحكومة» یا عنوان مشابهی دیده نمی‌شود. در واقع آیت الله آصف محسنی روایات مربوط به حکومت اسلامی را از میان کتاب‌ها و ابواب حدیثی گرد آورده و ذیل کتاب مستقلی گنجانده است.

در مجموع به نظر می‌رسد نگاه او به جایگاه عقل و علم در شکل‌گیری اعتقادات و اندیشه او درباره موقعیت علومی مانند علم اصول و رجال در منظومه دانش‌های اسلامی و

۱. شایان ذکر است که ابن‌ندیم (۲۰۰ هـ) کتابی با عنوان «کتاب الحكومة» را به جابر بن حیان نسبت می‌دهد. (ابن‌ندیم: بی‌تا، ۴۲۱؛ آقا بزرگ: ۱۴۰۳ق، ج ۷: ۶۰) و جز این کتاب مفقود، کتابی را نمی‌شناسیم که در عنوانش کلمه «الحكومة» آمده باشد.

مهم تر از آن باورهای سیاسی او در باب تشکیل حکومت اسلامی بر ترتیب و چینش کتاب‌های فقهی و غیرفقهی در کتاب او اثر گذاشته باشد. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد در این چینش مؤلف بحث عقل و علم را به عنوان شرایط عام تکلیف و بحث علم اصول و رجال را به عنوان مقدمات فقه و اجتهاد، بر همه کتاب‌ها به طور کلی مقدم کرده است. سپس کتاب‌های مربوط به مباحث اعتقادی را می‌آورد و پس از اعتقادات، پای به عرصه اخلاق می‌نهد؛ نخست از اخلاق فردی سخن می‌گوید و آنگاه اخلاق را در عرصه اجتماع، در باب «العشره و الوظائف الاجتماعیه» پی‌جویی می‌کند. در اینجا است که به تناسب بحث از اجتماع و اخلاق اجتماعی، سخن از حکومت و حاکمان به عنوان عوامل مؤثر در اخلاق اجتماعی و نیز پرپایی احکام الهی را بی‌راه نمی‌بیند و از این روی «کتاب‌الحکومه» را مطرح می‌کند. سپس در رأس کتاب‌های فقهی، شئون حکومت اسلامی در برپایی احکام مانند حدود، قصاص، جهاد و مطالب در پیوند با آن مانند دیات را پس از «کتاب‌الحکومه» می‌آورد که به اعتراف خود مؤلف برخلاف ترتیب رایج در کتب حدیثی محسوب می‌شود.

ب) عناوین ابواب و بخش‌های ذیل ابواب: عناوین ابواب و عناوین بخش‌هایی که ذیل ابواب گنجانده شده است، اغلب پیرو اصول کافی و بحار الأنوار و جامع احادیث الشیعه است. عناوینی که از جامع‌الاحادیث اخذ شده در بسیاری از موارد برای جلوگیری از طولانی شدن عنوان، تخلص و کوتاه شده است و در برخی موارد نیز مؤلف خود عنوان جدیدی را ساخته و بر بانی نهاده است (پیشین، ج ۱: ۲۷).

آصف محسنی در مقدمه کتاب اعلام می‌کند که بر خلاف برخی کتب حدیثی که عنوان باب‌ها نشان‌دهنده فتوای مؤلف است، عناوین باب‌های کتاب «معجم‌الاحادیث‌المعتبره» همیشه به منزله فتوا و رأی او نیست (پیشین، ج ۱: ۳۱).

ج) روایات: ترتیب روایات نیز همچون عناوین باب‌ها، اغلب پیرو اصول کافی، بحار الأنوار و جامع‌الاحادیث است (همانجا). قبل از نقل هر روایت نخست شماره‌ای دو بخشی و سپس نام منبع اصلی نقل حدیث آمده است. بخش اول شماره، شماره مسلسل

است و روایات معتبر را از آغاز کتاب تا پایان شماره می‌کند. شماره مسلسل آخرین روایت کتاب ۱۱۵۲۳ است. بخش دوم شماره به شماره روایت در باب مربوط به خود مربوط خواهد بود.

شمار شایان توجهی از روایات دارای شماره مسلسل «صفر» هستند؛ برای مثال شماره روایتی [۸/۰] است. عدد صفر در شماره روایت به این معناست که مؤلف این روایت را به دلیل و مناسبی نقل کرده، ولی روایت یا تکراری است یا مشکلی در سند یا دلالتش وجود دارد؛ از این روی در شمارش کلی روایات معتبر کتاب، آن روایت لحاظ نشده است. در برخی موارد بعد از نقل چنین احادیثی، آصف محسنی توضیحی درباره روایت بیان می‌کند که نشان‌دهنده علت صفر شدن شماره مسلسل روایت است. برای مثال بعد از نقل روایاتی با شماره مسلسل صفر آورده «تقدم الحديث فی کتاب الوصیة» (پیشین، ج ۸: ۴۹۳) یا «اقول: الکلام فی والد محمد بن حمران ولا بد من التوقف فی حاله» (پیشین، ج ۵: ۲۰۰) یا «اقول: لا اشکال فی أصل الحكم ولكن فی دلالة الروایة علیه تردداً و منعاً. علی أن احتمال الاشتراک فی ابن عطیة کاخیه الحسن غیر مدفوع بدلیل قوی، فتأمل» (پیشین، ج ۵: ۴۶).

بعد از ذکر شماره دو قسمتی، نام منبع اصلی نقل حدیث و پس از آن سند و متن روایت می‌آید: [۴/۶۹۶۹] الفقیه: روی زراره.

بخش پایانی کتاب که قریب به هفتاد صفحه حجم دارد، «خاتمة الموسوعة» نام گرفته و خود شامل دو بخش اصلی است. در بخش نخست، مؤلف متن دو روایت معتبر طولانی را که در جای جای کتاب به آن اشاره شده است، به‌طور کامل نقل می‌کند. نخستین حدیث، حدیثی مشهور به «الأربعمائه» از امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در ۲۴ صفحه است که صدوق در *خصال* آن را نقل کرده است^۱ و دیگری نامه امام رضا (علیه‌السلام) به

۱. محتوای این حدیث مربوط به چهارصد نکته‌ای است که کار دین و دنیای یک مسلمان را اصلاح می‌کند و آنها را حضرت امیر المؤمنین علیه‌السلام در یک مجلس به یاران خود آموختند.

مأمون در حدود ۷ صفحه که صدوق در عیون از کتاب محض الاسلام و شرایع‌الدین نقل کرده است.

بخش دوم خاتمه، به بیان اعتبار مصادر کتاب و نقد اعتبار برخی از کتاب‌های حدیثی اختصاص یافته است.

در این بخش، ابتدا ۳۰ کتاب مورد مراجعه کتاب ذکر می‌شود که از جمله آنها علاوه بر کتب اربعه، هشت کتاب از صدوق و سه کتاب از شیخ طوسی و ... دیده می‌شود. پس از آن در چند صفحه درباره طرق تحمل حدیث و اعتبار هر یک صحبت می‌شود و سپس در ۱۵ فصل، اعتبار کتاب‌های سی‌گانه بررسی شده است. نکته مهم در بررسی اعتبار کتاب‌ها در این قسمت آن است که اعتبار آنها به لحاظ «اعتبار نسخه‌ها» موجود از آنها در زمان علامه مجلسی سنجیده می‌شود و حاصل این اعتبارسنجی خارج شدن چهار کتاب از کتب سی‌گانه از دایره «اعتبار نسخه» است. این چهار کتاب عبارتند از: مسائل علی بن جعفر (رض)، کتاب الزهد و کتاب المؤمن حسین بن سعید، النوادر احمد بن محمد بن عیسی. در نهایت مؤلف با دعوت پژوهشگران به تکمیل اثر و گزارشی درباره وضعیت خود در هنگام تدوین دوم، کتاب را به پایان می‌رساند.

۵. محتوای کتاب

محتوای کتاب را می‌توان از سه زاویه بررسی کرد:

نخست به لحاظ موضوع روایات نقل شده در این کتاب؛ دوم از نظر چگونگی نقل سند و متن روایات و سوم توضیحات و شروحاتی که مؤلف برای برخی از روایات رقم زده است.

الف) موضوع روایات

به لحاظ موضوع روایات، کتاب «معجم الأحادیث المعتره» یکی از جامع‌ترین کتاب‌های حدیثی محسوب می‌شود؛ چه اینکه در این کتاب حتی روایات مربوط به علم رجال و بررسی حال راویان از تنها کتاب رجالی - حدیثی شیعه، یعنی رجال کشی نقل شده است.

البته مؤلف «کتاب العتق و التدبیر» را به «هدف اختصار و دوری از نقل مطالبی که امروزه مورد ابتلای مؤمنان نیست» به کلی حذف کرده است؛ همچنین ابواب مرتبط با بردگان در کتاب‌های دیگر مانند کتاب النکاح، کتاب الطلاق، کتاب الشهادة و ... را یا به کلی حذف کرده (پیشین، ج ۸: ۱۸۲) یا تنها به وضعیت سند روایات آن (بدون نقل سند و متن و تنها با اشاره به نام آخرین راوی و امام) به لحاظ صحیح یا حسن یا موثق بودن اشاره کرده است (پیشین، ج ۸: ۲۹۸ و ۳۲۸) برای مثال در ذیل باب «حکم الأمة اذا اعتقت فی العدة» از ابواب «العدة» به وضعیت چهار حدیث معتبر به صورت زیر اشاره کرده است:

[۱/۱۰۷۸۸] صحیح هشام و جمیل عن ابی عبدالله.

[۲/۱۰۷۸۹] صحیح جمیل عنه علیه السلام.

[۳/۱۰۷۹۰] صحیح محمد بن مسلم - علی وجه - عن ابی جعفر (علیه السلام): ۳۸۲ و ۳۸۳.

[۴/۱۰۷۹۱] موثقه سماعه المضمرة: ۳۸۶، ج ۱۵ الوسائل.

ب) چگونگی نقل سند و متن روایت

در کتاب «معجم الأحادیث المعتبرة» سند و متن حدیث به همان صورتی که در منبع اصلی آمده است، نقل می‌شود و تنها دو حدیث هستند که به بخش‌های آن بدون نقل سند و متن کامل آن ارجاع داده شده است و این دو همان احادیثی هستند که متن کامل آنها در انتهای کتاب در قسمت «خاتمة الموسوعة» به طور کامل نقل شده است.

از آنجا که اسناد احادیث کاملاً مطابق با منبع اصلی نقل حدیث است، از این رو احادیث نقل شده از تهذیبین و فقیه معلق است و برای خارج کردن سند آنها از تعلیق، به مراجعه مشیخه نیاز وجود دارد.

نکته شایان توجه دیگر در چگونگی نقل سند و متن مربوط به نقل روایت، دارای سند‌های متعدد یا متن حدیث دارای نقل‌ها دیگرگون است. در این موارد مؤلف از شیوه‌های اختصار در نقل سند و متن حدیث سود می‌جوید.

۱. شیوه اختصار در نقل سند: چنانچه سند یک روایت در منابع مختلف متفاوت باشد، آصف محسنی به دو شکل به نقل سندهای حدیث می‌پردازد:

شکل اول: نخست سند و متن حدیث را به‌طور کامل (معمولاً از منبع ناقل سند طولانی‌تر که اغلب متأخر است) نقل می‌کند و پس از آن به «موضع تفاوت» سند در منبع دیگر می‌پردازد و اگر سند در منبع دیگر کاملاً متفاوت باشد، کل سند جدید را می‌آورد.

برای مثال او نخست سند و متن حدیث را از کتاب توحید صدوق نقل و پس از آن اشاره می‌کند که سند حدیث در کتاب کافی چگونه است (پیشین، ج ۱: ۲۴۲ و ۲۴۳).

شکل دوم: گاه او در خلال نقل سند یک حدیث، با استفاده از رموز به سند روایت در کتاب‌های دیگر اشاره می‌کند، برای مثال:

[۳/۸۹۲۴] التهذیب: عن الحسين بن سعيد (الفقيه) عن الحسن بن علي (الوشاء - فقيه) قال: سألت أبا الحسن (عليه السلام) عن ...

و روی الکافی عن الحسين بن محمد عن معلی بن محمد و محمد بن یحیی عن (التهذیب) احمد بن محمد (جمعاً - کا) عن الوشاء قال: سألت الرضا (عليه السلام) عن ... (پیشین، ج ۷: ۲۳۰).

به این ترتیب آصف محسنی ابتدا حدیث را از منبع متأخر یعنی تهذیب الاحکام نقل می‌کند [۳/۸۹۲۴] التهذیب: «...» سپس با اضافه کردن نام اختصاری «الفقيه» در سند بیان می‌کند که از این قسمت به بعد، در کتاب من لایحضره الفقيه آمده است و پس از آن نیز در خلال سند با بیان «الوشاء - فقيه» بیان می‌کند که کلمه «الوشاء» به سند حدیث در کتاب فقيه اختصاص دارد و در کتاب تهذیب نیامده است.

سپس سند دیگر روایت را از کتاب کافی آورده است و در خلال نقل سند، با اضافه کردن «التهذیب» به این نکته اشاره می‌کند که از این قسمت سند به بعد، در تهذیب نیز آمده است. و در ادامه با آوردن «جمعاً - کا» نشان می‌دهد که کلمه «جمعاً» به سند حدیث در کافی اختصاص دارد و در تهذیب نیامده است.

شکل اول اختصار سند در واقع اختصار سند دیگر بعد از اتمام نقل سند نخست است و به نوعی می‌توان آن را اختصار برون‌متنی خواند و شکل دوم در مقابل اختصار درون‌متنی است.

۲. شیوه اختصار در نقل متن: گاه دو یا چند روایت در منابع مختلف دارای «متن» کمابیش «مشابه» هستند. آصف محسنی در نقل این احادیث مشابه معمولاً نقل حدیث را بر محور متن حدیث در منبع متقدم استوار می‌کند و سپس به دو شکل، تفاوت متن حدیث در منابع دیگر را گزارش می‌کند:

شکل اول: در شکل نخست آصف محسنی نقل حدیث را بر محور متن حدیث در منبع متقدم استوار می‌کند و سپس به تفاوت متن حدیث در منبع دیگر می‌پردازد.

در این شکل، وی برای گزارش حاصل مقایسه متون روایات، دقت نظر را بر روی ایجاد شدن یا نشدن تفاوت در معنای حدیث متمرکز می‌کند. به این ترتیب اگر تفاوتی در معنا ایجاد نشده باشد، تنها به بیان این نکته بسنده می‌کند که در منبع دیگری متن روایت با «اندکی تفاوت» نقل شده است و چنانچه تفاوت در متون، به تفاوت در معنا بینجامد یا گمان برود که این تفاوت شاید معنای متفاوتی ایجاد کند، بعد از نقل کامل حدیث، به بیان موضع تفاوت متن در کتاب دیگر اشاره می‌کند (پیشین، ج ۱: ۲۸).

برای نمونه پس از نقل حدیثی از کتاب کافی می‌آورد: ورواه الشيخ فی التهذیب عن الکینی بأدنی تفاوت. (پیشین، ج ۶: ۳۱۸).

و پس از نقل حدیث دیگری از کافی می‌آورد: ورواه الصدوق عن ابیه عن ... بعبارات أخری (پیشین، ج ۶: ۱۲۲).

و پس از نقل سند و متن حدیثی از محاسن برقی، به سند دیگر حدیث و تفاوت متن آن در کتاب کافی اشاره می‌کند: ورواه الکافی عن العدة عن احمد البرقی عن ابیه و عمرو بن ابراهیم جمیعا عن خلف بن حماد عن یعقوب بن شعیب و فیه: «دریاق» مکان «تریاق» (پیشین، ج ۷: ۹۹).

شکل دوم: گاه مؤلف هنگام نقل متن، به تفاوت‌ها در نقل متن حدیث اشاره می‌کند. برای مثال حدیثی را از کتاب کافی نقل می‌کند و در خلال نقل متن، به تفاوت متن حدیث در تهذیب اشاره دارد:

... قال سألته عن الرجل أريد (يريد - يب) ان أُعَيَّنهُ المال و (أو - يب) يكون لي ... لَوْلَا تَسَاوَى (نسوی - يب) فَأَقُول (له - يب) ... (پیشین، ج ۷: ۱۵۹).

این دو شکل اختصار را نیز مانند دو شکل اختصار در سند می‌توانیم به ترتیب اختصار برون‌متنی و درون‌متنی بخوانیم.

ج) توضیح و شرح مؤلف بر احادیث

آیت‌الله آصف محسنی برای شمار شایان توجهی از احادیث، مطلب و نکته‌ای بیان می‌کند. این توضیحات اغلب بعد از نقل حدیث، در متن کتاب آمده‌اند و در آغاز آنها لفظ «أقول» دیده می‌شود. علاوه بر توضیحات داخل متن، در موارد اندکی، توضیحات مؤلف در پاورقی نوشته شده است.

به‌طور کلی توضیحات آصف محسنی را می‌توان ذیل دو محور اصلی گنجانند:

۱. توضیحات مرتبط با وضعیت سند؛ ۲. توضیحات مرتبط با دلالت و معنای متن.
 ۱. توضیحات مرتبط با وضعیت سند: در توضیحاتی که مؤلف درباره احادیث بیان می‌کند، نکات رجالی فراوانی درباره راویان سلسله اسناد بیان شده است. این نکات:

- توجه به طبقه راوی و بیان احتمال ارسال در سند به دلیل احتمال عدم امکان ملاقات راوی با امام (پیشین، ج ۵: ۴۰۹، ح ۶۱۰۴ و ۶۱۰۵).
- پرداختن به تمیز مشترکات (پیشین، ج ۵: ۳۱۷، ح ۵۸۱۵).
- بیان وثاقت یا عدم وثاقت راوی (پیشین، ج ۵: ۴۶۰، ح ۶۲۰۹).
- تصحیح سند (پیشین، ج ۵: ۴۶۳، ح صفر).
- نقل آرای رجالی آیت‌الله خوئی درباره راویان و در مواردی نقد آنها (پیشین، ج ۵: ۳۱۴، ح ۵۸۰۳).

۲. توضیحات مرتبط با دلالت و معنای متن: این توضیحات با توجه به متن احادیث بسیار متنوع هستند. برای مثال نمونه‌هایی از موارد زیر را می‌توان در توضیحات مؤلف بر احادیث مشاهده کرد:

- نقد محتوایی روایات معتبر (پیشین، ج ۱: ۴۷۸، ح ۸۰۷ و ح ۸۰۹).
- محدود کردن دامنه اطلاق معنای روایت (پیشین، ج ۱: ۴۸۱، ح ۴۸۱؛ ج ۵: ۳۱۶، ح ۵۸۱۲).
- نقل نظر شیخ طوسی، شیخ صدوق و ... درباره روایات (پیشین، ج ۷: ۳۰۳ و ۳۰۴، ح صفر؛ پیشین، ج ۱: ۴۷۹ و ۴۸۰، ح صفر و ۸۱۰).
- ارائه توضیح برای فهم بهتر متن (پیشین، ج ۱: ۴۸۳ (پانوشت)، ح ۸۱۴؛ ج ۸: ۶۲۹، پانوشت).
- پیشنهاد انجام دادن پژوهش مرتبط با موضوع یک حدیث (پیشین، ج ۱: ۴۸۵، پانوشت).
- بیان معنای واژگان متن (پیشین، ج ۷: ۱۲۶ و ۱۶۹ و ۱۸۹، ح ۸۵۶۳ و ۸۷۱۱ و ۸۷۷۸؛ ج ۵: ۵۰۸، همین توضیح لغوی دقیقاً در متن کتاب بعد از حدیث ۶۳۳۵ آمده است، ج ۵: ۵۱۰).
- نتیجه‌گیری از مجموع روایات در یک موضوع (پیشین، ج ۵: ۱۶۹، ح ۵۳۴۸؛ ج ۱: ۴۸۱).
- نکته‌ای درباره دلالت متن حدیث (پیشین، ج ۷: ۱۶۸ و ۱۸۸، ح ۸۷۰۸ و ۸۷۷۷؛ ج ۸: ۱۶۵، ح ۱۰۲۱۰).
- استفاده از بیتی از اشعار فارسی در توضیح معنای روایت (ج ۱: ۴۸۱، ح ۴۸۱).

۶. مبانی رجالی

نویسنده مبانی رجالی خود را در کتاب دیگر خود «بحوث فی علم الرجال» به صورت مفصل آورده و این کتاب به چاپ پنجم رسیده است. اما آنچه به آشنایی با کتاب «معجم الأحادیث المعتبرة» ارتباط تنگاتنگ دارد، دو موضوع زیر است:

الف) ارزش سند در تشخیص روایات معتبر

گرچه محمد آصف محسنی در این کتاب تنها روایات معتبر به لحاظ سند را گرد آورده است، ولی از نظر او همه روایاتی که به لحاظ سند غیر معتبرند، مجعول و دروغ نیستند و در سوی مقابل همه روایات که به لحاظ سند معتبرند، واقعاً از معصوم علیه السلام صادر نشده‌اند. به بیان دیگر او نگاه سیاه و سفیدی به ارزش سند در تشخیص روایات معتبر ندارد و از نظر او بسیاری از روایات ضعیف‌السند شاید واقعاً از معصوم علیه السلام صادر شده باشند و یا برعکس روایات معتبرالسندی که واقعاً معصوم علیه السلام آنها را نفرموده باشند.

محمد آصف محسنی در مقدمه کتابش با شرح و بسط مسئله فوق بیان می‌کند که از آنجا که خیر ثقه به حسب ظاهر حجت شرعی است و عدول از آن بدون حجتی قوی‌تر از آن جایز نیست، در این کتاب با وجود اعتقاد به نکته فوق، تنها به نقل روایات معتبرالسند بسنده کرده است (پیشین، ج ۱: ۲۵).

ب و ج) وضعیت سند نسخه‌های کتاب‌های حدیثی و طرق شیخ طوسی

دیدگاه‌های رجالی آیت‌الله محسنی درباره وضعیت سند نسخه‌های کتاب‌های حدیثی و نیز طرق شیخ طوسی در تهذیبین، از نظر آصف محسنی نقش مهمی در اعتبار روایت و در نتیجه نقل یا عدم نقل روایات در کتاب «معجم الأحادیث المعتبرة» داشته است. وی خود از این دو مسئله به عنوان دو مشکل در تألیف کتاب یاد می‌کند. (پیشین، ج ۱: ۲۲ و ۲۳) و آنها را چنین بر می‌شمارد:

۱. عدم اعتبار نسخه‌های کتاب‌های رسیده به دست علامه مجلسی و شیخ حر عاملی و در نتیجه عدم اعتبار نسخه‌های فعلی این کتاب‌ها.
۲. ضعف طرق شیخ طوسی در مشیخه تهذیبین.

مشکل نخست بنا بر گفته مؤلف، مشکلی است که تاکنون محدثین و محققان به مشکل‌آفرینی آن در کتب حدیثی توجه نکرده‌اند و به بررسی اعتبار نسخه‌های آثار حدیثی نپرداخته‌اند. چنانکه گفتیم آیت‌الله محسنی در خاتمه کتاب به این مشکل می‌پردازد و در

نتیجه وی در کتاب «معجم الأحادیث المعتبرة» از نقل حدیث از کتب‌های حدیثی که دلایلی بر اعتبار نسخه موجود از آنها در زمان علامه مجلسی وجود ندارد، صرف‌نظر می‌کند و تنها به نقل حدیث از کتب دارای نسخه معتبر بسنده کرده است.

اما درباره مشکل دوم باید بگوییم که آصف محسنی پس از نخستین انتشار کتاب «معجم الأحادیث المعتبرة» در هنگام بازنگری کتاب «بحوث فی علم الرجال» خود برای چاپ پنجم در اوائل سال ۱۳۸۹ش، موفق به حل مشکل دوم می‌شود و از این رو به سرعت شروع به بازنگری در احادیث «معجم الأحادیث المعتبرة» می‌کند و حاصل این تلاش، چاپ دوم کتاب در سال ۱۳۹۲ش است.

مشکل دوم یعنی «مشکل اسناد مشیخه تهذیبین» و اثر آن در «عدم اعتبار» روایات، مسئله‌ای است که آصف محسنی در هنگام آماده‌سازی کتاب «بحوث فی علم الرجال» برای چاپ سوم متوجه آن می‌شود. وی شرح این مشکل و تلاش‌های اردبیلی، محدث نوری و آیت‌الله بروجردی برای حل آن از طریق فهرست طوسی و نیز مباحثات خود با آیت‌الله سیستانی در این باره را، در چاپ سوم و چهارم کتاب با عنوان «البحث الخامس و الاربعون: فی بیان طرق مشیخه التهذیب» در حدود ۵۰ صفحه می‌آورد؛ اما هنگامی که آصف محسنی به بازنگری در کتاب مذکور برای چاپ پنجم دست می‌زند، به راه‌حل دیگری دست می‌یابد که حاصل آن بی‌اثر بودن ضعف طرق مشیخه یا فهرست، در حکم به صحت اسناد روایات تهذیبین است. آصف محسنی این راه‌حل خویش را با عنوان «کلمه أخیره لإظهار حقیقه» را در قریب به دو صفحه در انتهای بحث پیشین از طرق مشیخه تهذیب در چاپ پنجم کتاب آورده است.

خلاصه سخن وی در «کلمه أخیره» این است که محقق نیک‌اندیش مطمئن می‌شود که طرق شیخ در مشیخه، بسان طرق او در فهرست است، مگر آنکه قرینه‌ای لفظی بر عدم مناو له دلالت کند و نیز درمی‌یابد که شیخ طوسی کتب حدیثی را از کتاب‌فروشی‌ها و افراد مطمئن به صحت کتاب‌های آنها خریداری کرده است و از این‌روست که (آنگونه که

خودش تصریح می‌کند) او برخی از طرقش را در تهذیبین برای مرسل نشدن روایات نقل کرده است. در نتیجه اگر راویان موجود در سند روایت در متن راستگو باشند، ضعف طرق مشیخه به ضعف سند روایت نمی‌انجامد و در واقع به اطمینان شیخ طوسی به سلامت کتاب‌ها و اصول از دس و زیادت و نقصان اعتماد می‌شود.

مؤید این نظر در اعتماد به اطمینان شیخ طوسی در صحت کتاب‌ها و اصول، روشی است که رجالیون و محدثان در قبال ثبوتات شیخ طوسی و نیز نجاشی، ابن فضال و دیگران در پیش گرفته‌اند و آنها را بدون سند و به شکل مرسل پذیرفته‌اند و در ظاهر این پذیرش دلیلی جز اعتماد بر اطمینان شیخ طوسی و دیگران ندارد، با وجود آنکه احتمال اعمال حدس نیز در داوری‌های شیخ طوسی وجود دارد. حال چرا بر اطمینان او در سلامت کتاب‌های حدیثی اعتماد نکنیم؟

۷. ملاک‌های مؤلف در گزینش روایات

ملاک‌های گزینش روایات را در این کتاب در ۳ مرحله بررسی می‌کنیم:

۱. معنایابی «حدیث معتبر» از نظر محدثین شیعه.
۲. ملاک‌های اعلامی مؤلف.
۳. میزان پایبندی مؤلف به ملاک‌های اعلامی.

مرحله اول: معنایابی «حدیث معتبر» از نظر حدیث‌شناسان شیعه

واژه «المعتبر» اصطلاحی حدیثی محسوب می‌شود. شایسته است قبل از آنکه به بیان ملاک‌های آصف محسنی در گزینش روایت و اطلاق وصف معتبر بر آنها بپردازیم، معنای این اصطلاح و به عبارت دیگر، ملاک‌های معتبر خوانده شدن حدیث را میان محدثین بازجوییم.

استرآبادی (۱۲۶۳ ق)، ملا علی کنی (۱۳۰۶ ق) و مامقانی (۱۳۵۱ ق) حدیث معتبر را حدیثی می‌دانند که همه یا اکثر، به مضمون آن عمل کرده باشند یا آنکه دلیلی بر اعتبار

حدیث به سبب صحت یا وثاقت یا حسن بودن سند وجود داشته باشد (استرآبادی: ۱۳۷۸ش: ۴۵۳؛ کنی، ۱۴۲۱ق: ۲۷۲؛ مامقانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۲۸۲).

صدر (۱۳۵۴ق) دو محور اصلی را در اعتبار حدیث مطرح می‌کند: نخست محور سند است که اگر سند حدیثی صحیح، حسن یا موثق باشد، حدیث معتبر شمرده می‌شود. دیگر، محور نقل حدیث در «اصول معتمد» است که بر اعتبار آنها اجماع وجود دارد؛ اعم از اینکه صاحبان این اصول شیعه اثنی عشری باشند یا غیرامامی باشند. (صدر، بی تا: ۱۷۱).

در مجموع می‌توان گفت که حدیث‌شناسان سه طریق را برای امکان احراز اعتبار حدیث برشمرده‌اند: ۱. عمل اصحاب به مضمون حدیث یعنی «مقبول» بودن حدیث؛ ۲. نقل حدیث در منابع معتمد؛ ۳. اتصاف سند حدیث به یکی از اوصاف صحیح، حسن یا موثق. از میان سه طریق مذکور، طریق آخر اهمیت بیشتری دارد و بر سر آن توافق وجود دارد و چنین به نظر می‌رسد که ذکر دو طریق دیگر به دلیل برشمردن نمونه‌های دیگر احراز اطمینان است.

مرحله ۲: ملاک‌هایی اعلامی مؤلف

آیت‌الله محسنی برای تشخیص روایات معتبر دو راه را معرفی می‌کند:

راه نخست: اعتبار سند روایت.

راه دوم: وجود قراین اطمینان‌آور.

مقایسه ملاک‌های محمد آصف محسنی در شناسایی حدیث معتبر با تعریف‌ها و ملاک‌هایی که پیش از او از سوی حدیث‌شناسان ارائه شده بود، نشان می‌دهد که تعریف او از حدیث معتبر و ملاک او در شناسایی روایات معتبر، خارج از چارچوب‌های پذیرفته شده در بین محدثین نیست و او به خلق اصطلاح جدید یا ارائه تعریفی نو از اصطلاح موجود دست نزده است، بلکه تنها به گردآوری مجموعه‌ای از روایات بر اساس تعریف مقبول و پذیرفته شده دست زده است.

اما درباره میزان و چگونگی به‌کارگیری دو روش بالا برای تشخیص روایات معتبر در کتاب «معجم الأحادیث المعتبرة» باید بگوییم که مؤلف در جای جای مقدمه و خاتمه

کتابش تصریح می‌کند که بر آن است که در این کتاب روایاتی را گرد آورد که به‌لحاظ «سند» معتبر هستند (پیشین، ج ۱: ۲۱ و ۲۴؛ ج ۸: ۶۰۴). اما وی در مقدمه اعلام می‌کند که بر آن نیست که روایات معتبر را با توجه به «وجود قراین اطمینان‌آور» در کتابش گرد آورد؛ زیرا جست‌وجوی روایات معتبر از این طریق را، هر چند سودمند و مثمر، نیازمند تلاش زیاد و بذل وقت وسیع می‌داند.

او از میان «قراین اطمینان‌آور» به یکی از آنها اشاره می‌کند که در اندک مواردی برای شناخت روایت معتبر در کتاب «معجم الأحادیث المعتبرة» به‌کار گرفته شده است و آن قرینه توجه به وجود «اسناد متعدد» برای یک روایت است.

به این ترتیب آصف محسنی در کتاب «معجم الأحادیث المعتبرة» بر آن است که دو ملاک را برای شناخت روایات معتبر استفاده کند:

ملاک نخست: مهم‌ترین و پرکاربردترین ملاکی که مؤلف از آن برای تشخیص روایات معتبر استفاده می‌کند، توجه به «اعتبار سند» است.

وی در معرفی احادیثی که به‌لحاظ سند معتبر هستند، عموماً روایات صحیح، حسن و موثق را به‌عنوان روایات معتبر معرفی می‌کند (پیشین، ج ۱: ۲۱) ولی در یک جای مقدمه احادیث «قوی» را نیز در جمله این روایات وارد می‌کند:

«... اقتصر علی بیان الروایات المعتبرة، المعبرة عندهم بالصحیح و الحسن و الموثق و القوی، ...»

(پیشین، ج ۱: ۲۴).

البته با توجه به سخن او درباره حدیث قوی در کتاب «بحوث فی علم الرجال» باید بگوییم که او همه احادیث امامیان غیرممدوح را به‌عنوان حدیث معتبر نمی‌پذیرد (پیشین،

۱۳۸۹ش: ۱۹۲ و ۱۹۳).^۱

۱. شایان ذکر است که مامقانی نیز بعد از آنکه راه‌های احراز معتبر بودن حدیث (عمل همه یا اکثر به مضمون حدیث و صحیح، حسن یا موثق بودن سند) را بیان می‌کند، حدیث معتبر را اعم از مقبول و

درباره وجود روایات «ضعیف‌السند» در این کتاب نیز باید بگوییم: آن‌گونه که مؤلف خود در مقدمه کتاب نیز تصریح می‌کند، کتاب «معجم الأحادیث المعتبرة» از روایات «ضعیف‌السند» خالی نیست؛ بلکه در موارد نادری و به سبب خاصی، شاید روایات «ضعیف‌السند» نیز نقل شده باشند؛ اما مؤلف به نوعی قول می‌دهد که بعد از نقل این‌گونه روایات به ضعف سندی روایت تصریح کند و همچنین سعی تمام داشته است که به این روایات، شماره مسلسل روایات معتبر اختصاص نیابد (پیشین، ج ۱: ۲۴ و ۲۸).

با توجه به این ملاک تشخیص روایات معتبر، مسئله روایات معتبرالسند مخالف عقل یا قرآن یا سنت قطعی یا دارای معارض پیش می‌آید.

مؤلف در مقدمه بیان می‌کند که همه این روایات به دلیل اعتبار سندیشان در کتاب «معجم الأحادیث المعتبرة» نقل شده‌اند؛ البته بعد از نقل روایات مخالف عقل یا قرآن، به مخالفت آنها توجه داده شده است، ولی مسئله مخالفت روایت با سنت قطعی یا ابتلای آن به معارض به فقه موکول شده است و البته امکان دارد به این نکته نیز اشاره شده باشد (پیشین، ج ۱: ۲۴).

ملاک دوم: یکی دیگر از ملاک‌های اعتبار روایت از نظر آصف محسنی «تعدد سندهای یک روایت» است. وی این ملاک را از جمله قرائن اطمینان‌آور می‌شمارد و به این ترتیب هر دو ملاک او، ملاک‌هایی «سندی» محسوب می‌شوند.

از نظر آصف محسنی اگر روایتی با «متن واحد»، سه طریق کاملاً جدا داشته باشد، معتبر محسوب می‌شود، زیرا بعید است سه گروه بر ساخت جملاتی با کلمات یکسان، اتفاق و تبانی کرده باشند.

قوی معرفی کرده است (مامقانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۲۸۲) به نظر می‌رسد در این کلام او، قوی به معنای حدیث صحیح، حسن و موثق باشد.

همچنین اگر حدیثی با متون متفاوت از ده یا هشت طریق کاملاً جدا نقل شده باشد، معتبر است و قدر مشترک این الفاظ و معانی که در هشت یا ده سند مختلف نقل شده، قابل اخذ و اعتماد است (پیشین، ج ۱: ۴۰).

نمونه شاخص روایتی که با وجود عدم اعتبار سند، به واسطه تعدد سند معتبر دانسته شده، نامه امام رضا علیه السلام به مأمون است که آصف محسنی به علت طولانی بودن آن، سه سند و متن آن را در خاتمه کتاب نقل کرده است (پیشین، ج ۱: ۲۴ و ۵۹۷).

نمونه این دست روایات که به سبب فوق معتبر دانسته شده باشند، در کتاب «معجم الأحادیث المعتره» بسیار اندک است و مؤلف در انتهای مقدمه از خوانندگان خواسته است که او را در گردآوری این دست روایات یاری کنند (پیشین، ج ۱: ۴۰).

مرحله ۳: میزان پایبندی مؤلف به ملاک‌های اعلامی

در ابتدای سخن درباره ملاک‌های مؤلف در تشخیص روایات معتبر، شایسته است به یک شبهه که بی‌درنگ در برابر نگارش کتبی از این دست قرار می‌گیرد، اشاره کنیم و آن شبهه این است که به دلیل تفاوت‌هایی که در اصول و مبانی رجالی در توثیق و جرح راویان وجود دارد، داوری و حکم مؤلف این کتاب، در معتبر بودن روایات برای محققان دیگر فایده و سودی ندارد.

در پاسخ به این شبهه باید بگوییم که آصف محسنی در مقدمه کتاب می‌گوید که وی در این کتاب بسیار سخت‌گیرانه عمل کرده است و در پذیرش امارات وثاقت بر خلاف برخی از علما دیررضا بوده است. پس به شدت گمانش بر این است که آنچه را که وی معتبر دانسته و در کتاب آورده است، با قبول و پذیرش اکثر اهل علم همراه می‌شود و مواردی که نزد عموم علما پذیرفتنی نباشد، اندک است و به همین دلیل در سوی مقابل، ضعف آنچه وی در این کتاب نیاورده است، برای همه مسلم نیست و چه بسا روایتی در این کتاب نیامده باشد، ولی در شمار روایات معتبر قلمداد شود (پیشین، ج ۱: ۲۶).

در بررسی وضعیت روایات در این کتاب، نخست به بررسی وضعیت سندی روایات کتاب الاعتکاف و با توجه به داوری صورت گرفته در نرم‌افزار «دراية النور» می‌پردازیم و پس از آن نگاهی به احادیث موجود در یکی از باب‌های کتاب الاعتکاف جامع الأحادیث بروجردی خواهیم داشت تا وضعیت احادیث محذوف نیز مشخص شود:

الف) کتاب الاعتکاف در معجم الأحادیث المعتبرة

کتاب الاعتکاف در این کتاب مشتمل بر ۲۴ روایت معتبر در ۹ باب است.

شماره و منبع روایت	داوری درایة النور	توضیحات
۶۵۴۳ - کافی، تهذیب	سند در هر دو صحیح	این روایت با سند صحیح در فقیه و استبصار نیز آمده است (در بسیاری از موارد، آدرس حدیث در استبصار نیز نقل می‌شود).
۶۵۴۴ - کافی	صحیح	این حدیث با سند صحیح در فقیه نیز آمده است.
۶۵۴۵ - کافی، تهذیب	سند حدیث در کافی صحیح و در تهذیب موثق است.	این حدیث در کافی با دو سند صحیح متفاوت نقل شده که در کتاب «معجم الأحادیث المعتبرة» یک سند آن آمده است. معنای این حدیث مانند حدیث پیشین است؛ بهتر بود در شمارش روایات معتبر، شماره جدیدی به آن اختصاص
۶۵۴۶ - تهذیب	موثق	شمارش روایات معتبر، شماره جدیدی به آن اختصاص نمی‌یافت. ^۱
۶۵۴۷ - کافی، فقیه	سند در هر دو صحیح	آدرس‌دهی در متن کتاب ابهام دارد زیرا بر اساس متن به نظر می‌رسد که حدیث از تهذیب نقل شده است، ولی در واقع چنانکه از پاورقی نیز فهمیده می‌شود، حدیث از کافی و فقیه نقل شده است. ^۲
۶۵۴۸ - کافی، فقیه، تهذیب	سند در هر سه صحیح	با توجه به اینکه در بسیاری از موارد به استبصار نیز آدرس‌دهی می‌شود، باید بگوییم این حدیث با سند صحیح در

۱. روایت پیشین: کافی: لَا اِعْتِكَافَ اِلَّا بِصَوْمٍ وَ تَهْذِيبٍ: لَا يَكُونُ الْاِعْتِكَافُ اِلَّا بِصِيَامٍ. این حدیث: تهذیب: لَا يَكُونُ الْاِعْتِكَافُ اِلَّا بِصَوْمٍ.

۲. حدیث پیشین: التهذیب: علی بن الحسن عن العباس عن ... این حدیث: و عن علی عن ابیه عن نام منبع چنانکه معهود بوده، در آغاز سند نیامده است.

شماره و منبع روایت	داوری درایه النور	توضیحات
		استبصار نیز آمده است.
۶۵۴۹ - کافی، تهذیب، فقیه	سند کافی و فقیه صحیح و سند تهذیب موثق	با سند موثق در استبصار نیز نقل شده است.
۶۵۵۰ - کافی	صحیح	اشکال تاییدی: ترکب و صغی «مَسْجِدِ جَمَاعَةٍ» کافی به ترکیب اضافی «مَسْجِدِ جَمَاعَةٍ» تبدیل شده است.
۶۵۵۱ - فقیه	صحیح	
۶۵۵۲ - فقیه	صحیح	این حدیث با سند صحیح در کافی و تهذیب نیز نقل شده است.
۶۵۵۳ - فقیه	صحیح	این حدیث با سند صحیح در کافی و تهذیب نیز نقل شده است.
۶۵۵۴ - کافی، فقیه، تهذیب	سند در هر سه صحیح است.	
۶۵۵۵ - کافی، فقیه	سند حدیث در کافی صحیح است.	در کتاب فقیه این حدیث نیامده و نیز در تهذیب نقل نشده است.
۶۵۵۶ - کافی، فقیه	سند در هر دو صحیح است.	
۶۵۵۷ - کافی، فقیه	سند در هر دو صحیح است.	این حدیث با سند صحیح در تهذیب نیز نقل شده است.
۶۵۵۸ - تهذیب	موثق	
۶۵۵۹ - کافی، فقیه، تهذیب	در هر سه با سند صحیح نقل شده است.	در استبصار نیز با سند صحیح آمده است.
۶۵۶۰ - کافی، فقیه، تهذیب، استبصار	سند حدیث در کافی و تهذیبین ضعیف ارزیابی شده است و سند حدیث در فقیه سند حدیث صحیح و سند دیگر حدیث در تهذیبین صحیح است.	علت ضعف سند در کافی و تهذیبین، موقوف بودن حدیث است. سند حدیث در این سه کتاب به عبدالله بن سنان ختم می‌شود. در حالی که همین سند در فقیه به امام صادق <small>علیه السلام</small> می‌رسد (وَفِي رِوَايَةِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>ع</small> قَالَ). آن‌گونه که آصف محسنی نیز اشاره می‌کند این حدیث با متنی افزون‌تر در تهذیبین با سند دیگری از عبدالله بن سنان از امام صادق <small>علیه السلام</small> نقل شده است. سند اخیر صحیح ارزیابی می‌شود.

شماره و منبع روایت	داوری درایه النور	توضیحات
۶۵۶۱ - کافی، فقیه	سند حدیث در کافی موثق و در فقیه صحیح است.	
۶۵۶۲ - فقیه	صحیح	این حدیث به سند صحیح در کافی نقل شده و نیز با سند ضعیف در تهذیبین نیز آمده است.
۶۵۶۳ - فقیه، کافی، تهذیب، استبصار	سند در هر چهار منبع صحیح است.	
۶۵۶۴ - کافی، فقیه	در هر دو صحیح	این حدیث با سند صحیح در تهذیبین نیز نقل شده است.
۶۵۶۵ - تهذیب، استبصار	در هر دو منبع سند حدیث موثق است.	
۶۵۶۶ - کافی، فقیه	در هر دو صحیح	این حدیث با سند موثق در تهذیبین نیز نقل شده است.

نتیجه بررسی اعتبار روایات «کتاب الاعتکاف»

- هیچ حدیث ضعیف و حتی حسنی در این کتاب نیامده؛ پس باید بگوییم مؤلف در این کتاب به ملاک‌های اعلامی خود پایبند بوده است.
- به همه منابعی که حدیث با سند صحیح در آنها آمده، ارجاع داده نشده است.
- در سه مورد از هشت موردی که حدیث در استبصار نقل شده، به نقل حدیث در استبصار اشاره شده و در پنج مورد به نقل آن در استبصار اشاره نشده است. از آنجا که نقل حدیث در تهذیب و عدم نقل آن در استبصار به معنای نبود معارض برای حدیث بوده است، بهتر خواهد بود که در همه مواردی که حدیث در استبصار نقل شده است، به نقل آن در این کتاب نیز اشاره شود.

ب) مقایسه با جامع الأحادیث بروجردی

آیت‌الله بروجردی در کتاب الاعتکاف در جلد نهم جامع الأحادیث، ۵۴ روایت را در ۹ باب گنجانده است. به این ترتیب آصف محسنی قریب به نیمی از روایات این کتاب را حذف

کرده، ولی در مجموع هیچ‌یک از ابواب این کتاب حدیثی بدون حدیث معتبر نشده و به بیان دیگر ۹ باب کتاب الاعتکاف به دلیل دارا بودن حدیث معتبر حفظ شده است. برای روشن شدن وضعیت روایات محذوف، به بررسی احادیث باب نخست «باب استحباب الاعتکاف خصوصاً فی شهر رمضان و تأکده فی العشر الأواخر واستحباب قضائه فی القابل» می‌پردازیم. شایان ذکر است که این باب در کتاب جامع الأحادیث شامل هشت روایت و در «معجم الأحادیث المعتمدة» با عنوان «استحباب الاعتکاف» شامل دو روایت است.

شماره و منبع روایت	داوری درایة النور	توضیحات
۱۴۹۱ - فقیه - جعفریات و بحار الانوار از نوادر راوندی و المقتع ^۱	موثق	در «معجم الأحادیث المعتمدة» حذف شده است.
۱۴۹۲ - دعائم الإسلام	_____	این روایت در کتب اربعه و نیز وسائل الشیعه نیامده است، در نتیجه نرم‌افزار نور داوری برای آن ندارد.
۱۴۹۳ - کافی - دعائم الاسلام	صحیح	این حدیث با سند صحیح در فقیه نیز نقل شده است.
۱۴۹۴ - رمز ک کتاب الغارات	_____	این روایت در کتب اربعه و نیز وسائل الشیعه نیامده است، در نتیجه نرم‌افزار نور داوری برای آن ندارد.
۱۴۹۵ - تهذیب، استبصار، کافی و فقیه	در هر چهار منبع با سند صحیح آمده است.	این روایت با شماره ۶۵۴۳ نخستین روایت کتاب الاعتکاف در «معجم الأحادیث المعتمدة» است و همان‌گونه که آوردیم، آصف محسنی به نقل حدیث در فقیه اشاره نکرده است.
۱۴۹۶ - کافی و فقیه - فقه الرضا	در هر دو منبع با سند صحیح	این روایت با شماره ۶۵۴۴ دومین و آخرین روایت کتاب الاعتکاف در «معجم الأحادیث المعتمدة» است

۱. آیت‌الله بروجردی پس از نقل حدیث از منبع اصلی، به دیگر منابع ناقل حدیث اشاره می‌کنند و برای مثال پس از نقل حدیث فوق از فقیه، اسناد این روایت در جعفریات و بحار الانوار از نوادر راوندی و المقتع نقل می‌کنند. ما به نخستین منبع و منابع دیگر با استفاده از خط تیره (–) بین آنها اشاره می‌کنیم.

شماره و منبع روایت	داوری درایةالنور	توضیحات
۱۴۹۷ - دعائم الإسلام	—	انتهای این روایت که درباره اعتکاف است در کتب اربعه و نیز وسائل الشیعه نیامده است و در نتیجه نرم‌افزار نور هیچ داوری برای آن ندارد.
۱۴۹۸ - اقبال ابن طاووس	—	انتهای این روایت که درباره اعتکاف است، در کتب اربعه و نیز وسائل الشیعه نیامده است و در نتیجه نرم‌افزار نور هیچ داوری برای آن ندارد.
روایات بدون شماره و ذکر منبع		در انتهای این باب آیت‌الله بروجردی چند حدیث بدون شماره و منبع آورده‌اند. مضمون این احادیث مربوط به برتری تلاش برای رفع حاجت مؤمن از دو ماه اعتکاف در مسجد الاحرام و نیز برتری زیارت امام حسین <small>علیه السلام</small> از حج و عمره و اعتکاف در مسجد الاحرام آمده است.
		یکی از احادیث برتری تلاش برای رفع حاجت مؤمن نسبت به دو ماه اعتکاف در مسجد الاحرام، به سند صحیح در کافی و دیگری به سند ضعیف در وسائل الشیعه به نقل از ثواب الاعمال آمده است و حدیث مربوط به برتری زیارت امام حسین <small>علیه السلام</small> بر اعتکاف، در کتب اربعه و وسائل الشیعه یافت نشد.

نتیجه بررسی روایات «باب استحباب الاعتکاف» در دو کتاب

۱. در مجموع یک روایت صحیح و یک روایت موثق این باب را آیت‌الله آصف محسنی در کتاب الاعتکاف نقل نکرده‌اند.
 ۲. مضمون روایات ۱۴۹۱ (موثق) و ۱۴۹۲ این است که هر کس یک دهه در ماه رمضان معتکف شود، ثواب دو حج و دو عمره دارد. آصف محسنی این دو روایت را حذف کرده است و مضمون آن دو، در دیگر روایات نقل شده در کتاب الاعتکاف، در «معجم الأحادیث المعتبرة» دیده نمی‌شود.
- مضمون شش روایت دیگر مربوط به اعتکاف پیامبر صلی الله علیه و آله در ماه رمضان است که از میان این شش روایت، آصف محسنی دو روایت آن را معتبر دانسته و نقل کرده است.
- به این ترتیب باید بگوییم تقریباً مضمون همه روایت‌های این باب در روایات «جامع الأحادیث المعتبرة» آمده است.

۷. چاپ‌های کتاب

تاکنون دو تدوین و دو چاپ از این کتاب انتشار یافته است.

تدوین اول کتاب که بنا به گفته مؤلف با فعالیت‌های سیاسی و نظامی در حزب «حرکت اسلامی افغانستان» و سفرهای متنوع و نیز تألیف کتاب‌های دیگری به زبان فارسی برای ترویج دین اسلام و دفع شبهات همراه بوده، در مدت چهار سال (آغاز در سال ۱۳۶۶ شمسی در قم و پایان در سال ۱۳۷۰ در اسلام آباد پاکستان) صورت گرفته است. پس از اتمام کتاب نیز، وی در مدت سه سال و نیم رفع نقص‌ها و چاپ رایانه‌ای و تطبیق دست‌نوشته‌ها با متن چاپی را انجام داده است (پیشین، ج ۱: ۲۱ و ۲۲).

کتاب در تدوین نخست در شش جلد و مشتمل بر ۱۱۶۵۸ حدیث دارای شماره است و با احتساب ۱۳۳۲ روایت بدون شماره (به علت تکرار یا جهل به سند) شماره روایات به ۱۲۹۹۰ حدیث می‌رسد (پیشین، ج ۱: ۲۲).

در اوایل سال ۱۳۸۹ چنانکه گذشت، مؤلف هنگام آماده‌سازی کتاب رجالی خود یعنی «بحوث فی علم الرجال» برای چاپ پنجم و دقت در مشیخه تهذیب/لاحکام، موفق به حل مسئله ضعف در اسناد و طرق شیخ طوسی به صاحبان اصول می‌شود. این امر سبب شد که شمار شایان توجهی از روایاتی که پیشتر از نظر او به لحاظ سند غیرمعتبر بوده‌اند، در زمرة احادیثی درآیند که به لحاظ سند معتبر هستند؛ از این رو او تصمیم به تدوین دوباره کتاب «معجم الأحادیث المعتبرة» خویش می‌گیرد و این کار را بلافاصله در خرداد ماه همان سال آغاز می‌کند (پیشین، ج ۱: ۲۳) و در سال ۱۳۹۲ کتاب «معجم الأحادیث المعتبرة» را در هشت جلد مشتمل بر ۱۱۵۲۳ روایت عرضه می‌کند.

۱. ... حين مطالعة کتابی «بحوث فی علم الرجال»، إعداداً للطبعة الخامسة (والأخیر ظاهراً) عند الدقة فی مشیخه التهذیب، وفقی الله تعالی بفضلہ لحلّ المشكلة الثانية الواقعة فی طرق الشیخ الطوسی إلى أرباب الأصول و الكتب و دخلت جملة وافرة من الأحادیث غیر المعتبرة سنداً فی حریم المعتبرات سنداً (محسنی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۲۳).

۸. ملاحظات

به اقتضای تلاش در معرفی این کتاب، مناسب است نکاتی را برای نیکوتر شدن و تکمیل کتاب بیان کنیم:

۱. از آنجا که مؤلف بنا به گفته خودش در مقدمه، این کتاب را برای اهل علم نوشته و مبنای گزینش او نیز غالباً داوری رجالی است، نیکوست که وضعیت سند به لحاظ صحیح، حسن، موثق یا قوی بودن از نگاه نویسنده معلوم شود و در این زمینه روایاتی که حکم به معتبر بودنشان به دلیلی غیر از اعتبار سند است، مشخص شوند.

۲. کتاب معجم الأحادیث المعتمدة در چاپ اول شش جلدی خود مشتمل بر ۱۲۹۹۰ حدیث بوده و در چاپ دوم با تغییر نظر مؤلف نسبت به طرق شیخ طوسی در مشیخه، تعداد روایات معتبر به ۱۱۶۵۸ رسیده است. کاهش شمار روایات معتبر در چاپ دوم در حالی بوده که مؤلف خود تصریح کرده که تغییر دیدگاهش که انگیزه او برای چاپ دوم شده، موجب معتبر شمرده شدن تعداد زیادی از احادیث است. بنابراین نیکوست مؤلف درباره علت خارج شدن روایاتی از دامنه روایات معتبر در چاپ دوم کتاب توضیحاتی را مرقوم کند.

۳. چون احادیث تهذیبین و فقیه معلق آمده است، نیکوست مؤلف در مقدمه یا خاتمه کتاب آخرین دیدگاه خود درباره طرق شیخ صدوق و شیخ طوسی در مشیخه را (بدون نقل قیل و قال‌های مربوط به آنها) به شکل روشن و مستدلی بیان کند تا مراجعه‌کننده به راحتی مبنای وی را در برخورد با طرق مشیخه بیابد.

۴. درباره شمار شایان توجهی از احادیثی که شماره مسلسل صفر دارد، توضیحی در ارتباط با علت صفر بودن شماره مسلسل بیان نشده و از آنجا که علت صفر شدن شماره مسلسل بنا به گفته مؤلف اعم از تکرار در بخش‌های پیشین و وجود مشکلی در سند روایت است (پیشین، ج ۱: ۲۸) نقل روایت بدون توضیح، محقق را در استفاده از روایت سرگردان می‌کند.

۵. با وجود آنکه مؤلف در مقدمه کتاب اعلام کرده‌اند که بر آن نیستند که به‌طور گسترده از رموز استفاده کنند و استفاده از آنها را موجب سردرگمی مراجعه‌کننده می‌دانند و در این زمینه به توضیح ده رمزی می‌پردازند که در کتاب استفاده کرده‌اند (پیشین، ج ۱: ۳۰) استفاده وی از برخی رموز، موجب ابهام در کتاب شده است. برای مثال مراد از رمز «خ»، «ل»، و «ص» در این کتاب معلوم نیست.

حدیث از خصال نقل شده ولی آخرش آمده است (الراجل - خ).

۶. در شمارش روایات معتبر مشابه در کتاب، گاه وحدت رویه دیده نمی‌شود. چه آنکه گاه روایتی با وجود تفاوت زیاد با روایت دیگر و داشتن فزونی و کاستی شایان ملاحظه، در شمار روایات معتبر لحاظ نمی‌شود و در روایت، معتبر تلقی می‌شوند و در مقابل گاه روایتی با اندک تفاوتی، شماره جدیدی در شمارش روایات معتبر به خود اختصاص می‌دهد. نیکوست در کتاب از این نظر وحدت رویه‌ای حاکم باشد.

۷. در مواردی اشکال‌های حروف‌نگاری در کتاب دیده می‌شود. با توجه به اینکه متن احادیث در نرم‌افزارهای اسلامی با املائی صحیح و نیز با شکل مشکّل موجود است، استفاده از نسخه‌های الکترونیکی در نسخه نهایی کتاب نیکو خواهد بود.

منابع

۱. ابن عساکر، علی بن بن هبة الله بن عبدالله (۱۴۱۵ق). *تاریخ مدینه دمشق*، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر.
۲. ابن ندیم، محمد بن ابی یعقوب اسحاق (بی تا). *فهرست ابن‌الندیم*، تحقیق رضا تجدد، بی جا.
۳. استرآبادی، محمد جعفر (۱۳۷۸ش). *لب الباب (ضمن چاپ میراث حدیث شیعه، الدفتر الثانی)*، قم، دارالحدیث الثقافیه.
۴. آقا بزرگ طهرانی (۱۴۰۳ق). *الذریعه إلى تصانیف الشیعه*، بیروت، دارالأضواء.
۵. بروجردی، حسین (۱۳۹۹ق). *جامع أحادیث الشیعه*، قم، مطبعة العلمیه.
۶. بهبودی، محمدباقر (۱۳۶۳ش). *گزیده کافی*، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۷. خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی (۱۴۱۷ق). *تاریخ بغداد*، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۸. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام).
۹. صدر، حسن (بی تا). *نهایه الدرایه*، تحقیق ماجد الغرباوی، قم، مشعر.
۱۰. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۹۰ق). *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار*، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۱۲. _____ (۱۴۰۷ق). *تهذیب الأحکام*، تحقیق حسن موسوی خراسان، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

١٤. کنی، ملا علی (١٤٢١ق). توضیح المقال فی علم الرجال، تحقیق محمد حسین مولوی، قم، دارالحديث.
١٥. مامقانی، عبدالله (١٤١١ق). مقباس الهدایة، تحقیق محمد رضا مامقانی، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
١٦. محسنی، محمد آصف (١٣٨٩ش). بحوث فی علم الرجال، قم: مركز المصطفى ص العالمی.
١٧. _____ (١٣٩٢ش). معجم الأحاديث المعتبرة، قم: دارالنشر الأديان.